ان السعید، کل السعید، حق السعید من احب علیاً فی حیاته و بعد موته

همانا سعادتمند (به معنای) کامل و حقیقی کسی است که امام علی(ع) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.

دیدگاه

با پیروزی انقلاب اسلامی، توجه غرب به شیعه چندین برابر شد

احمد جعفری، پژوهشگر و استاد دانشگاه، ۱۷ اردیبهشت‌ماه در نشست علمی «شبهه‌شناسی خاورشناسان و مسلمانان در مورد قرآن کریم» با اشاره به مطالعات خاورشناسان درباره مباحث شیعه، گفت: رژیم غاصب اسرائیل از سال ۲۰۰۶ کمیته‌ای برای تقویت باورها و اعتقادات یهودیان تشکیل داده است زیرا می‌داند تقویت باورهای دینی سبب رشد و پیشرفت آنان خواهد شد و از ضررهای اقتصادی آنان جلوگیری می‌کند. به همین دلیل حتی در کشورهای اروپایی هم سرمایه‌گذاری روی علوم انسانی در سال‌های اخیر بیشتر شده، اما ما متأسفانه نه تنها بها نمی‌دهیم، بلکه نسبت به علوم دینی و اعتقادی هم کم‌توجه شده‌ایم.

به گزارش ایکنا، جعفری در این نشست عنوان کرد: شیعه‌پژوهی در غرب چندان مورد توجه جدی نبوده و گلدزیهر نخستین بار در سال ۱۸۸۰ انجام و لگنهاوزن کار او را ادامه داد و با فاصله نسبتاً زیادی ادوارد براون به تعارضات دینی و سیاسی در اسلام اولیه و شیعه‌پژوهی پرداخت. با انقلاب مشروطه دونالدسون کتاب مذهب شیعه را نوشت.

وی افزود: او کشیشی بود که ۱۶ سال در مشهد زندگی کرد و کتابش مهم‌ترین منبع شیعه‌شناسی در غرب شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی، توجه غرب به شیعه جلب و مطالعات در این عرصه هم چند برابر شد؛ در سال ۱۹۹۹ طی کنفرانسی مهم‌ترین محور مطالعات شیعه‌شناسی یعنی جانشینی پیامبر(ص) را به فراخوان مقاله و اثر گذاشتند.

این نویسنده و پژوهشگر بیان کرد: خاورشناسان پس از هانری کربن به شیعه‌شناسی امامیه پرداختند و الان خلافت حضرت علی(ع) مورد بحث و بررسی جدی است. در اینجا این پرسش وجود دارد که چرا مطالعات خاورشناسان در زمینه شیعه با این همه تأخیر شروع شده است؟ یکی از پاسخ‌ها کم‌کاری خود ما شیعیان است، چون علما کمتر به مسائل روز پرداخته و به آن جواب داده‌اند.

وی افزود: این کم‌کاری سبب شده دسترسی به منابع شیعه کم باشد، ضمن اینکه در آتش‌سوزی کتابخانه شیخ طوسی در بغداد، منابع بسیار مهم از جمله اصول اربعمائه از بین رفت و علاوه بر آن ما هم در معرفی آثار شیعه به دنیا تلاش چندانی نداشتیم. همچنین دولت‌های غربی همیشه با شیعیان مخاصمه داشتند. در لبنان اجازه نمی‌دادند شیعه پا بگیرد، در یمن و کشمیر همین‌طور و تلاش زیادی داشتند و دارند تا در عراق هم شیعه نباشد ولی چندان موفق نبودند. یا در آذربایجان اجازه نمی‌دهند شیعه بتواند در قدرت حضور داشته باشد.

جعفری تصریح کرد: خاورشناسان در بحث جانشینی پیامبر(ص) بیشتر دو رویکرد تاریخی و پدیدارشناختی داشته‌اند که در رویکرد پدیدارشناختی عمدتاً منتج به نتایج منصفانه‌تر نسبت به رویکرد تاریخی شده است، گرچه رویکرد تاریخی بیشتر نتایج مغرضانه به دنبال داشته است. برخی اهداف این افراد هم تحقیقی است ولی برخی هدف تبشیری برای سرکوب شیعه و گسترش اهداف خود و به استعمار کشاندن کشورهای شیعه‌نشین داشته و دارند. وی تأکید کرد: این‌ها یافته‌های تحقیقی واقعی خود را در اختیار جامعه علمی قرار نداده و فرضیه‌های اثبات نشده را به عنوان یافته علمی به خورد مردم داده‌اند که مورد نقد منصفانه اندیشمندان شیعه و سنی قرار گرفته است. البته دست از توطئه برنمی‌دارند، زیرا حرف آن‌ها در برخی لایه‌های جامعه به‌خصوص کسانی که کمتر مطالعه دارند، تأثیرگذار است و خریدار دارد.

موعظه

مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی

روش موعظه چگونه باید باشد؟

در فرهنگ اسلامی مانند قرآن و روایات بر موضوع پند و نصیحت و موعظه سفارش و برای آن قیود و شرایطی نیز قرار داده شده است. امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «من وعظ اخاه سرا فقد زانه و من وعظه علانیه فقد شانه» هر کس برادر مؤمن خود را در خلوت و به دور از دید دیگران موعظه کند او را وزین ساخته و از سبک شدن او جلوگیری کرده است؛ اما اگر او را در حضور دیگران و به صورت آشکار موعظه و نصیحت کند به او اهانت کرده و مقام او را پایین آورده و چهره بدی به او پوشانده است.

بنابراین، تبلیغ، هدایت، موعظه و نصیحت نیز باید در شرایطی انجام گیرد که نه تنها شخصیت‌ها حفظ شود و هیچ اهانتی از آن برداشت نشود؛ بلکه به عکس، ضمن اینکه هدایت و موعظه و نصیحت تحقق پیدا می‌کند به طرف مقابل شخصیت ببخشد؛ یعنی هم موعظه شود و هم به او ارزش داده شود. اما اگر در کنار موعظه، شخصیت طرف خرد شود، چنین موعظه‌ای علاوه بر اینکه مذموم است، معلوم نیست نقش و اثری هم داشته باشد و اگر اثری هم بر آن مترتب شود به یقین اثری اندک خواهد بود.

نه تنها موعظه بلکه بسیاری از امور خیر دیگر نیز اثر آشکار و پنهانش متفاوت است. توجه کنید که اسلام به چه میزان به این امور و نکات ریز دقت دارد. مثلاً گاهی انسان در حضور دیگران به نیازمندی کمک می‌کند، اگر چه آن نیاز او را برطرف کرده ولی در کنار آن موجب تحقیر او شده و آبروی او از بین رفته است. به همین منظور نوع کمک‌ها و مساعدت‌های ائمه معصومین(ع) ما در تاریکی شب بوده؛ به گونه‌ای که نه تنها دیگران متوجه نمی‌شدند بلکه خود آن نیازمند هم متوجه نمی‌شد این مساعدت از کجا و از سوی چه کسی انجام گرفته است. از این رو، پس از شهادت امیرالمؤمنین(ع) بود که عده زیادی از فقرا فهمیدند این مساعدت‌ها از ناحیه آن حضرت بوده است. از اینجا معلوم می‌شود حفظ حیثیت مؤمن در اسلام چقدر مورد اهتمام بوده و با نظر اهمیت به آن نگاه شده است؛ ولی متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود به حیثیت افراد توجه نمی‌شود، حتی شنیده‌هایی که روی آن بررسی و تحقیق نشده را اشاعه داده و برای دیگران نقل می‌کند؛ این شرعاً مسئولیت دارد، حتی به همین مقدار که انسان به رفیقش بگوید: شنیدم فلانی سوء استفاده مالی کرده هر چند به طور قطع و به صورت خبر مطرح نشده است؛ همین مقدار در لکه‌دار شدن حیثیت و آبروی یک مسلمان می‌تواند نقش داشته باشد.

بقاع متبرکه

پس از گذشت دو سال از محدودیت‌های کرونایی

عربستان محدودیت‌های زیارت بقیع را کاهش داد

با توجه به افزایش درخواست‌ها برای زیارت بقیع، عربستان برخی محدودیت‌های زیارت بقیع را کاهش داد و به این ترتیب علاوه بر افزایش زمان تشرف زائران به این مکان مقدس، نیروهای امنیتی از خواندن برخی اذکار در بقیع ممانعت نمی‌کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس، در آستانه هشتم شوال، سالروز تخریب بقیع توسط وهابیون، عربستان برخی از محدودیت‌ها برای زیارت بقیع را کاهش داد؛ به طوری که ساعات تشرف به بقیع که از ابتدای شیوع کرونا تاکنون محدود شده بود، تغییر کرد.

بر همین اساس، با توجه به افزایش زائران مدینه منوره و درخواست‌ها برای زیارت بقیع، زائران نه تنها حوالی طلوع آفتاب و ظهر، بلکه ساعاتی از بعدازظهر تا غروب نیز امکان تشرف به بقیع را داشته و می‌توانند با ورود به این مکان مقدس به زیارت بپردازند. البته همچنان ورود بانوان به بقیع و تجمع پشت درهای آن ممنوع است.

علاوه بر این، در روزهای اخیر تصاویری از مزار حضرت ام‌البنین(س) در بقیع منتشر شده که برخی آن را با برداشته شدن نرده‌های اطراف مزار مادر سقای دشت کربلا عنوان کرده‌اند و حتی گفته می‌شود این اقدام با درخواست عراق از سعودی‌ها انجام شده است.

در دو سال گذشته محدودیت‌های زیارت بقیع افزایش یافته بود و حتی در مدتی تشرف به بقیع ممنوع شد، اما با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، دوباره درهای بقیع روی زائران بازگشایی و تشرف به بقیع ممکن شد.

اکنون نیز با توجه به پذیرش زائران خارجی در ماه‌های گذشته و تشرف بسیاری از شیعیان، دولت عربستان تا حدودی محدودیت‌های زیارت بقیع را کاهش داده که علاوه بر افزایش زمان تشرف به بقیع، بازگشایی برخی از مسیرها روی زائران از این

تغییرات به شمار می‌رود.

همچنین به گفته یک‌منبع آگاه، نیروهای امنیتی مستقر در بقیع، به تشرف زائران و حتی خواندن برخی ذکرها حساسیت کمتری داشته و در روزهای گذشته برخی از شیعیان در بقیع به ذکر مصیبت هم پرداختند که البته این امر باید بدون اشک ریختن یا تضرع باشد.

بقیع محل دفن چهار امام شیعیان و خاندان اهل بیت(ع) است که دو بار توسط وهابیون تخریب شد و همچنان نیز با وجود وعده سعودی‌ها برای ساخت بقیع، ائمه مدفون در این مکان بدون ضریح و بارگاه هستند. بر همین اساس، برخی از مخاطبان «فارس من» خواستار پیگیری ساخت بقیع شدند. در متن این مطالبه با عنوان «احیای حرمین بقیع مطالبه مسلمانان جهان» آمده است: در سال ۱۳۴۴ هجری قمری آل‌سعود بنا بر نظر یک فرقه‌ای تصمیم بر تخریب حرمین شریفین در بقیع گرفت و آن را تخریب کرد. تخریب حرمین در بقیع تضییع حقوق جامعه اسلامی به ویژه ایرانیان مسلمان است. امروزه زائران بقیع حق اشک ریختن برای آل‌الله را هم ندارند. احیای شعائر اسلامی و ساخت دوباره بقیع توسط آل‌سعود امروز یک مطالبه جدی مردم ایران از دستگاه وزارت امور خارجه است. خواهشاً وزارت امور خارجه دولت آیت‌الله رئیسی به این مطالبه چند دهه‌ای ایرانیان لبیک بگوید و جامه عمل بپوشاند.

در پیش نشست دومین همایش ملی «معنویت‌های نوظهور و معنویت اسلامی» بررسی شد

ظرفیت‌ها و چالش‌های تجارب نزدیک به مرگ

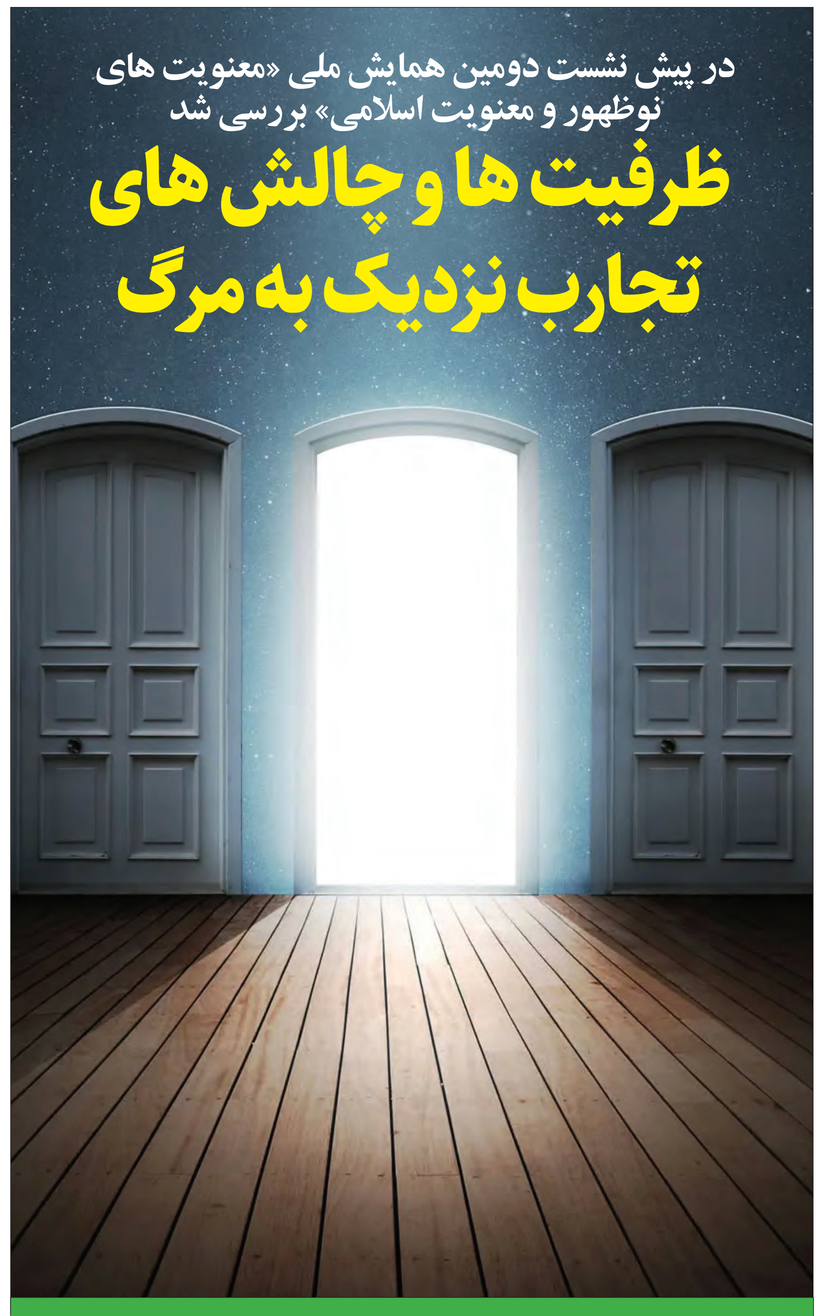

گزیده

> آنچه در این تجربیات با ادله دیگر قابل اثبات است را می‌توانیم قبول کنیم و آن‌هایی را که برخلاف ادله است کنار می‌گذاریم و آن‌هایی را نیز که ادله سکوت کرده ما نیز سکوت می‌کنیم. بنابراین نباید این تجارب را به صورت کلی رد کرد یا آن‌ها را مورد تأیید قرار داد.

پارسا نیکوکار| یکی از مباحثی که در زمینه معنویت‌های نوظهور و معنویت اسلامی مطرح است، تجربه‌های نزدیک به مرگ و استفاده‌های معنوی و شبه‌معنوی از آن است. در ایامی که این تجربه‌ها در قالب برنامه‌های تلویزیونی، کتاب‌های عامه‌پسند و فیلم و سریال‌ها در کشورمان مورد استقبال قرار گرفته است، نخستین پیش‌نشست سلسله نشست‌های تخصصی دومین همایش ملی «معنویت‌های نوظهور و معنویت اسلامی» به این موضوع اختصاص یافت و نشستی با عنوان «تجارب نزدیک به مرگ، ظرفیت‌ها و چالش‌های معنوی» پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه با سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر رضا برنجکار استادتمام پردیس فارابی دانشگاه تهران، دکتر عباس جوارشکیان دانشیار دانشگاه فردوسی و دکتر هادی وکیلی دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اجرای دکتر احمد شاکرنژاد استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به همت پژوهشکده اخلاق و معنویت و با همکاری قطب تعمیق ایمان دینی برگزار شد.

■ دسته‌بندی تجربه‌های نزدیک به مرگ در چهار مؤلفه

دکتر هادی وکیلی، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست با بیان اینکه بحث معنویت بستر اصلی گفت‌وگوها در خصوص تجربیات نزدیک به مرگ است، گفت: در جایی منتقدان اجتماعی قرن بیستم گفته بودند هیچ چیزی همچون یک انقلاب معنوی در سراسر جهان برای نجات تمدن بشری کافی نیست و لازم است یک انقلاب معنوی داشته باشیم. شاید توجه به تجربیات نزدیک به مرگ بتواند زمینه‌ساز این انقلاب معنوی باشد. این بحث در سال ۱۹۷۵ توسط «مودی» مطرح شد و او در کتابش ۱۵ عنصر و ویژگی را در این خصوص شناسایی و در سال ۱۹۷۷ چهار پیامد دیگر را به این موارد اضافه کرد.

وی با بیان اینکه متداول‌ترین ویژگی‌های تجربیات نزدیک به مرگ را می‌توان در چهار مؤلفه دسته‌بندی نمود، عنوان کرد: ویژگی‌های شناختی، عاطفی، فراعادی و متعالی، این چهار مؤلفه هستند. ویژگی‌های شناختی منعکس‌کننده تغییراتی در فرایندهای فکری و مغزی شامل تحریک در حس زمان، تسریع فرایندهای فکری، مرور زندگی یا حافظه پانوراما و احساس مکاشفه یا درک ناگهانی؛ ویژگی‌های عاطفی منعکس‌کننده تغییرات عاطفی فرد شامل احساس آرامش، رفاه، احساس شادی، احساس وحدت کیهانی و رویارویی نور درخشان؛ ویژگی‌های فراعادی منعکس‌کننده پدیده‌های ثابت روانی شامل احساسات فیزیکی آشکار و فراعادی، ادراک آشکار و فراحسی، مکاشفه‌های پیش‌شناختی و احساس خارج از بدن مادی بودن و ویژگی‌های متعالی نیز انعکاس‌دهنده پدیده‌های ظاهری اخروی است که آن سوی زندگی را گزارش می‌کند، شامل سفری به قلمرو یا بعد عرفانی یا غیرزمینی، مواجهه با وجود یا ظهور عرفانی با ارواح مرئی افراد متوفی یا افراد دینی و برخورد با مرزی که فرد نمی‌تواند از آن به زندگی زمینی برگردد.

■ تجربه‌های نزدیک به مرگ را نمی‌توان با مدل‌های مادی توضیح داد

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تشریح مدل‌های ارائه شده برای توضیح تجربه نزدیک به مرگ گفت: یک مدل فیزیولوژیک این تجربیات را این‌گونه توجیه می‌کند که وقتی سطح اکسیژن کاهش پیدا می‌کند و به طور کامل به صفر می‌رسد تجربه نزدیک به مرگ اتفاق می‌افتد. نکته‌ای که وجود دارد این است هیپوکسی معمولاً منجر به تجربیات عجیب و غریب و ترسناک می‌شود و جنگ‌طلبانه و محرک به لحاظ زیست‌شناسی است در حالی که تجربیات نزدیک به مرگ، صلح‌آمیز با ویژگی‌های ثابت و جهانی هستند.

مدل فیزیولوژیک دیگری تجربیات نزدیک به مرگ را به داروها نسبت می‌دهد، داروهایی که به افراد در حال مرگ داده می‌شود. اگرچه برخی داروها ممکن است تجربیاتی را ایجاد کنند اما مطالعات مقایسه‌ای بیمارانی که دارو دریافت می‌کنند و کسانی که این تجارب را از سر می‌گذرانند نشان می‌دهد معمولاً تجربه‌گران دارویی دریافت نکرده و این تجربه را از سرگذرانده‌اند. بنابراین ارتباط متغیر دارو با وقوع این رخدادها مورد تأیید قرار نگرفته است.

یک مدل گمانه‌زننده نیز تجربیات نزدیک به مرگ را به انتقال‌دهنده‌های عصبی در مغز نسبت می‌دهند یا با برخی قسمت‌های آناتومیک در مغز مرتبط می‌دانند. شواهد تجربی کمی در این خصوص برای تأیید وجود دارد یعنی ممکن است مسیر تبیین یا تفسیر این تجارب را نشان دهند اما علت رخداد این تجربه‌ها نیستند. مدل‌های روان‌شناسی نیز این تجربیات را سازوکارهای دفاعی روان‌شناسی می‌دانند که ما در خصوص این مدل‌های روان‌شناسی نیز شواهد تجربی کافی نداریم.

مطالعات بین فرهنگی شواهد بسیاری را در محتوای تجربیات نزدیک به مرگ در جوامع مختلف نشان می‌دهد، این امر به این قضیه برمی‌گردد که زبان تجربه برخلاف ساختارگرایان از نوعی ذات‌گرایی تبعیت می‌کند و انگار NDE (NEAR DEATH EXPERIENCES) در فرهنگ‌های مختلف، رخداد نسبتاً یکسانی باوجود تفاوت‌های اندکی است که ممکن است در تجربه‌های صاحبان فرایندهای مختلف در آن دیده شود.

وکیلی در پایان عنوان کرد: نتیجه‌ای که از این بحث می‌توان گرفت این است که تجربه‌های فراعادی و ماورائی از قبیل NDE به‌راحتی با مدل‌های مادی توضیح داده نمی‌شوند و در ارزیابی طرح پیشنهادی برای NDEها باید آن دسته از ویژگی‌هایی را در نظر بگیریم که به تجربیات عرفانی شبیه هستند. به‌ویژه اینکه در همان مدل‌ها یا آن ویژگی‌هایی که از آن یاد می‌شود، فرامادی بودن، وابسته به بدن نبودن لحاظ شده که این همان چیزی است که ما از آن به بعد معنوی یاد می‌کنیم.

■ نخستین اثر این تجارب شکستن هیمنه مادی‌گرایی و دنیاگرایی است

در ادامه این نشست دکتر عباس جوارشکیان، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با عمیق و گسترده خواندن تجربه‌های نزدیک به مرگ عنوان کرد: ما با واقعیتی روبه‌رو هستیم که بسیار قوی‌تر، گسترده‌تر و عمیق‌تر از واقعیتی است که در این عالم آن را تجربه می‌کنیم. کسانی که با این واقعیات مواجه شده‌اند، نوع مواجهه‌شان یک مواجهه مفهومی نبوده بلکه یک مواجهه وجودی را از سر گذرانده‌اند.

جوارشکیان با بیان اینکه این واقعیت مثل هر واقعیت دیگری از زوایای مختلف قابل بررسی است، ادامه داد: بررسی این پدیده صرفاً کار علوم تجربی یا حوزه عرفان یا فلسفه نیست و یک عرصه میان رشته‌ای است که رشته‌های مختلفی در آن می‌توانند ورود پیدا کنند. باید توجه داشت این تجربیات مملو از نکات و دقایق است که با سؤالات مختلف می‌تواند از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.

وی در خصوص ظرفیت‌های معنوی این تجارب گفت: قطعاً این تجربه‌های بیرون از بدن بستر معنوی بسیار ارزشمندی را برای جامعه بشری به وجود آورده‌اند و این‌ها صرف‌نظر از اینکه مکتب‌ها و نحله‌هایی وجود داشته باشند و از آن‌ها استفاده کنند، برای عامه مردم منجر به برخی تحولات معنوی و آثار بسیار ارزشمند می‌شود؛ چه خود این افراد که عموماً پس از این تجربه متحول شده‌اند و تحول معنوی تعیین‌کننده‌ای در شخصیت آن‌ها ایجاد شده و چه برای کسانی که غیرمستقیم در معرض این گزارش‌ها واقع شده‌اند، آن‌ها را شنیده‌اند یا با این افراد در مراوده بوده‌اند، تحت تأثیر شخصیت این‌ها قرار گرفته و متحول شده‌اند.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با بیان اینکه این تجربه‌ها اولین اثرش، شکستن هیمنه مادی‌گرایی و دنیاگرایی است، افزود: غلبه نگرش مادی‌گرایی که در حد اعلای خودش در رشته‌های علمی ما حاکم است، به‌واسطه این تجربه‌ها شکسته خواهد شد و غیب‌باوری که مغفول و مجهول و محذور واقع شده بود جایگاه خودش را پیدا می‌کند و دریچه‌ای را بر غیب‌پژوهی برای بشریت باز خواهد کرد.

وی نقش ارشادی، تمدنی، تبلیغی، تربیتی و اخلاقی این تجربیات را برجسته خواند و عنوان کرد: نوع تجربیاتی که افراد دارند قطعاً نقش تربیتی خودش را داشته و رفتار و شیوه زندگی اخلاقی مخاطبان این تجربه‌ها، تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. از نقش این مقوله در تقویت ایمان دینی نیز نباید غفلت کرد و در خصوص آن نیز باید بسیار بحث نمود.

■ این تجربیات تأملات جدید فلسفی را رقم خواهد زد

جوارشکیان ادامه داد: این امر در مطالعات علمی نیز می‌تواند عرصه جدیدی باز کند؛ باید توجه داشت اغلب قضاوت‌هایی که در خصوص این تجربیات می‌شود و صبغه علمی دارد، در شرایطی است که این تجربیات هنوز مطالعات علمی نشده است، یعنی ما این تجربیات بیمارستانی و بالینی که به‌راحتی در محیط‌های بیمارستانی و پزشکی قابل مطالعه است را مورد مطالعه علمی قرار نداده‌ایم. به نظر بنده این تجربیات تأملات جدید فلسفی را رقم خواهد زد و یا منجر به بازخوانی آرا و اندیشه‌ها خواهد شد و یا اینکه افق تازه‌ای را در بحث‌ها و مسائل جدیدی در بحث‌های فلسفی پدید خواهد آورد.

■ اساس معنویت‌های سکولار مبتنی بر تجارب است

حجت‌الاسلام دکتر رضا برنجکار، استادتمام پردیس فارابی دانشگاه تهران آخرین سخنران این نشست بود. وی با بیان اینکه مسئله امروز غرب، مسئله معنویت است، عنوان کرد: پس از جنگ جهانی دوم این مسئله نمود بیشتری پیدا کرد و انسانی که به تعبیری در اثر این جنگ ویران شده بود با بحران معنویت، بی‌معنایی برای زندگی، بحران اخلاق و امثالهم دست به گریبان شد؛ اما غرب ریشه‌یابی نکرد که چرا دچار این وضعیت شده و سراغ راه حل‌هایی غیر از دین را گرفت.

وی افزود: غرب نخواست این را ریشه‌یابی کند و سعی کرد با معنویت‌های نوظهور که اساس آن دین و خدا نبود و اصطلاحاً با معنویت‌های سکولار، این بحران معنوی را برای انسان غربی حل کند.

برنجکار با بیان اینکه اکنون بیش از ۴هزار فرقه معنویت‌های نوظهور در عالم داریم، اظهار کرد: مبنای این ۴هزار فرقه، دین نیست بلکه مبنای آن‌ها تجربه‌های دینی و رسیدن به آرامش و تعابیری چون عشق و تعالی بدون دین است. ممکن است کسی خودش را مسیحی نیز بداند ولی در این معنویت، مسیحیت نقشی ایفا نمی‌کند. در واقع با آن تجربیات می‌خواهند به این زندگی معنا بخشند و از این گرفتاری که انسان مدرن به‌واسطه تمدن مادی دچارش شده، لحظاتی فرا برود ولی این فراروی از بیرون به سمت درون است.

وی افزود: تمدنی که مادی است طبیعی است به‌واسطه فطرت معنویت‌جوی انسانی، او را راضی نکند و به همین دلیل تلاش کند آن را با بازگشت انسان از بیرون به درون ولو برای لحظاتی تجربه کند. رسیدن به چنین آرامشی برای لحظاتی حتی اگر شده با موادمخدر و روانگردان انجام می‌شود و مبنا و اساس این معنویت‌های سکولار و بدون دین همین تجربیات به معنای عام کلمه است.

■ این تجربیات به ما هو تجربه اعتبار ندارند مگر...

وی در ادامه در خصوص تجارب فرامادی و فراحسی، قطع نظر از تجارب نزدیک به مرگ نیز عنوان کرد: مسئله اعتبارسنجی مشکل بحث عرفان ما نیز هست و در اینجا نیز مطرح است. فلسفه و کلام ادعایشان این است که روششان عقلی یا عقلی و نقلی است و اعتبارشان پذیرفته است، اما بحث در اینجا در مورد تجربیات و کشف و شهودها حداقل با پنج اشکال روبه‌رو است که خود عرفا نیز به این مسائل اشاره کرده‌اند. اشکال اول این است که ممکن است در اصل این تجربیات خودِ شیطان القائات داشته باشد، چراکه خود شیطان از خداوند اجازه گرفت که وسوسه کند بنابراین این تجربه می‌تواند الهام رحمانی و یا القای شیطانی باشد. بنابراین وقتی این مسئله مطرح می‌شود، آن وقت این مسئله ایجاد می‌شود که ما از کجا می‌توانیم اثبات کنیم این شهود واقعیت و نه القای شیطانی است. اشکال دوم این است که تجربه، کشف واقعیت باشد اما تجربه‌گر نتواند واقعیت را درست درک کند. اشکال سوم این است که ممکن است درک کند ولی نتواند آن را درست تفسیر و بیان کند. اشکال چهارم اینکه این تجربیات برای دیگران حجت نیست. دیگر اینکه در بسیاری از موارد این تجربیات با یکدیگر متضاد هستند.

وی با بیان اینکه این پنج اشکال سبب می‌شود این تجربیات به ما هو تجربه اعتبار نداشته باشند مگر اینکه به یک حجت دیگری تکیه کنند، توضیح داد: به نظر من آن چیزی که نقطه مشترک است و همه تجربه‌گرها روی آن اجماع دارند، این است که نفس و روح غیر از بدن است و وقتی روح از بدن جدا می‌شود بدون بدن، ادراک می‌کند. این چیزی است که عقل آن را اثبات و دین نیز آن را بیان کرده است. این چیزی است که ما می‌توانیم آن را قبول کنیم و تجربیات متناقض را کنار بگذاریم.

برنجکار افزود: بنابراین آنچه در این تجربیات با ادله دیگر قابل اثبات است را می‌توانیم آن را قبول کنیم و آن‌هایی را که برخلاف ادله است کنار می‌گذاریم و آن‌هایی را نیز که ادله سکوت کرده ما نیز سکوت می‌کنیم. بنابراین نباید این تجارب را به صورت کلی رد کرد یا آن‌ها را مورد تأیید قرار داد.

■ ۴ حالت جدایی روح از بدن

وی در خصوص تجربیات نزدیک به مرگ نیز گفت: ما در چهار حالت روحمان از بدن جدا می‌شود؛ یکی مرگ است که دیگر برنمی‌گردد یعنی ارتباط نفس با بدن به کلی جدا می‌شود و کسی دیگر از اینجا برنمی‌گردد که چیزی به ما بگوید. صورت دوم خواب است که ما در خواب نیز بنا بر تصریح قرآن، نفس از بدنمان جدا می‌شود هرچند هنوز ارتباط بین این دو مثل ارتباط خورشید با شعاعش وجود دارد. حالت سوم، جدا کردن نفس از بدن به صورت اختیاری و تجرید اختیاری است که دینداران با عنایت خدا به این می‌رسند و حتی با تمرین نیز می‌توان به آن رسید که خیلی نیز کار دشواری نیست و مرتاض‌ها نیز این کار را می‌کنند. قسم چهارم همین لحظاتی است که فرد مثلاً به کما رفته است. این مقوله عجیبی نیست ولی عده‌ای همین را نیز انکار می‌کنند و اصرار دارند نفس ما همین بدن است. چالش بحث همین جا شکل می‌گیرد که عرفان‌های کاذب نیز بر اساس همین تجربیات، دست به ادعا می‌زنند.

برنجکار در پایان عنوان کرد: نکته مهم این است که دین این مسیر را جلو ما نگذاشته است. اگر بخواهیم از موضع دین صحبت کنیم باید ببینیم دین راه رسیدن به این معنویت را چطور برای ما ترسیم کرده است. اساس ارتباط انسان با خدا، ذکر و یاد خدا و با عبودیت است. اگر معنویت را می‌خواهیم راهش را دین مشخص کرده؛ دین می‌گوید انسانی که عبودیت کند، خدا به او معرفت خواهد داد.

تازه‌های نشر

کتاب «افزایش محبت بین همسران؛ راهکارها و شیوه‌ها» به چاپ ششم رسید

چاپ ششم کتاب «افزایش محبت بین همسران؛ راهکارها و شیوه‌ها از منظر اسلام و روان‌شناسی» به همت مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار نشر شد.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه بوستان کتاب، چاپ ششم «افزایش محبت بین همسران؛ راهکارها و شیوه‌ها از منظر اسلام و روان‌شناسی» اثر بتول زاهدپور به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۲۸۸ صفحه منتشر شد.

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی بشر است؛ از این رو، بنیادی‌ترین نقش را در شکل‌گیری افکار، عقاید، رفتار و شخصیت هر انسانی ایفا می‌کند. این مسئله موجب شده آموزه‌های دینی رهنمودهای فراوانی درباره اهمیت تشکیل خانواده، حفظ آن و وظایف اخلاقی و حقوقی همسران بیان نماید.

نگارنده در این اثر بر آن شده با خوانشی از متون دینی و قرین ساختن آن با علوم روان‌شناسی و استفاده از طبقه‌بندی علوم که یکی از برجسته‌ترین معیارهای رده‌بندی در آموزش و تربیت است، به مقوله راهکارهای افزایش محبت بین همسران بپردازد.

کتاب حاضر بر پایه مطالعات میان‌رشته‌ای با تلفیق رویکردهای دینی و روان‌شناسی تدوین شده و دو هدف اساسی را دنبال کرده است؛ نخست تطبیق آموزه‌های دینی با یافته‌های جدید بشری در حوزه خانواده و تبیین چگونگی کارآمدی آیات و روایات در راستای تحکیم و بالندگی روابط زن و مرد؛ دوم ارائه راهکارهای محبت‌افزایی در محیط خانواده، در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری.

در فصل نخست، پس از بیان دو قِسم تفاوت‌های فردی و نوعی میان زن و مرد، تفاوت‌های نوعی در سه زمینه جسمی، عاطفی و عقلی بررسی و آشنایی، درک و پذیرش متقابل تفاوت‌ها به عنوان راهکار اصلی در این فصل مطرح شده است. سپس نقش باورهای دینی و تقویت آن در افزایش مهرورزی در نهاد خانواده تبیین می‌شود. بر اساس یافته‌های این فصل، اعتقاد به توحید، نبوت، معاد و التزام به تقوا موجب اهتمام بیشتر همسران به روابط مطلوب با یکدیگر می‌شود.

در حیطه رفتاری به سبب گسترده بودن رفتارهای نیکو و تأثیرگذار، برجسته‌ترین آن از جمله ابراز محبت، آراستگی، احترام متقابل، عذرخواهی و عذرپذیری، گفت و شنود مؤثر، همکاری در امور زندگی و استمداد از مشاور، به تفصیل بحث شده که التزام به هر یک از این رفتارها سبب افزایش احساس رضایتمندی و محبت بین زوجین می‌شود.

در حیطه عاطفی به دو فصل ارتباط جنسی و هوش هیجانی اشاره شده و ارتباط جنسی به لحاظ جایگاه بی‌نظیر عواطف در جهت بخشیدن به این رفتار، در حیطه عاطفی بررسی شده و اصول لازم قبل، حین و پس از این ارتباط که منجر به افزایش ارتباط بین همسران می‌شود مطرح شده است. همچنین در این بخش علل سرد مزاجی که یکی از برجسته‌ترین دلایل کاهش محبت زناشویی است، بررسی می‌شود.

در فصل هوش هیجانی مهارت‌های ضروری در چگونگی شناخت و مدیریت احساسات خویشتن و درک هیجانات مثبت و منفی همسر ذکر و سپس درزمینه هیجان خشم به عنوان اصلی‌ترین احساس نابود کننده محبت میان زن و شوهر به تفصیل پرداخته شده و علل و راهکارهای مواجهه با آن بیان می‌شود.

برش

شبیه‌تجربیات عرفانی

دکتر هادی وکیلی، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: تجربه‌های فراعادی و ماورائی از قبیل NDE به‌راحتی با مدل‌های مادی توضیح داده نمی‌شوند و در ارزیابی طرح پیشنهادی برای NDEها باید آن دسته از ویژگی‌هایی را در نظر بگیریم که به تجربیات عرفانی شبیه هستند.

لا یسعد احد الا باقامة حدود الله و لا یشقی احد الا باضاعتها

هیچ کس جز با اجرای حدود و احکام خدا خوشبخت نمی شود و جز با ضایع کردن آن بدبخت نمی گردد.

نیم نگاه

طارق عبدالباسط روایت می‌کند

شأن والایی که عبدالباسط برای قاری قرآن قائل بود

طارق عبدالصمد، فرزند شیخ عبدالباسط در خاطرات خود از پدرش گفت: پدرم به شخصیت خود به عنوان یک قاری افتخار می‌کرد. پیش از آنکه به مسجد یا جلسه‌ای برود بهترین لباس خود را می‌پوشید و بهترین عطرها را می‌زد و دوست داشت به‌گونه‌ای ظاهر شود که مقام قاری قرآن کریم را بالا ببرد.

به گزارش ایکنا به نقل از صدی البلد، استان الاقصر مفتخر است یکی از فرزندان آن، شیخ فقید و قاری جلیل القدر، صاحب «حنجره طلایی»، شیخ عبدالباسط عبدالصمد است. وب‌سایت صدی البلد با طارق عبدالباسط، پسر این قاری مشهور گفت‌وگو کرده تا خاطرات خود را از پدرش بازگو کند.

طارق عبدالباسط در بخشی از خاطرات خود گفت: فراموش نکرده‌ام با پدرم برای شرکت در مناسبت‌های مختلف مذهبی به‌ویژه نماز جمعه می‌رفتم؛ من و خواهرانم برای همراهی با او مسابقه می‌دادیم. گاهی در داخل ماشین پنهان می‌شدیم و پدرم پس از رسیدن به مسجد ما را پیش خود می‌یافت.

وی خاطرنشان کرد: شیخ عبدالباسط عبدالصمد در تلاوت قرآن کریم شعائر خاصی داشت چرا که آیات الهی را با دل و جان می‌خواند. شهروندان به‌ویژه طلاب الازهر به این امر علاقه داشتند که زودتر در مسجد باشند تا در ردیف‌های اول مسجد جا بگیرند و به تلاوت پدرم گوش دهند. بنابراین بسیاری از ملیت‌های عرب و خارجی‌های مسلمان در مسجد حضور داشتند؛ پس از اتمام نماز و تلاوت، همه مشتاق بودند با او عکس یادگاری بگیرند.

شیخ طارق عبدالباسط افزود: پدرم به خردسالان و پیران احترام می‌گذاشت و از او ادب، احترام و محبت به مردم را آموخته‌ام.

وی توضیح داد: پدر نیز به شخصیت خود به عنوان یک قاری افتخار می‌کرد. او پیش از آنکه به مسجد یا جلسه‌ای برود بهترین لباس خود را می‌پوشید و

بهترین عطرها را می‌زد و دوست داشت به‌گونه‌ای ظاهر شود که مقام قاری قرآن کریم را بالا ببرد.

طارق عبدالباسط در ادامه سخنان خود گفت: پدرم به تمام دنیا از جنوب تا شمال سفر و قرآن کریم را با صدای خود در عربستان ضبط نمود و از پادشاهان و سران کشورها افتخارات بسیار زیادی دریافت کرد و مانند پادشاهان مورد استقبال مردم کشورها قرار می‌گرفت.

وی ادامه داد: در زمان وفات پدرم، مراسم تشییع پیکر او هم مردمی و هم رسمی بود و مشهورترین علمای آن زمان از جمله شیخ جاد الحق علی جاد الحق و محمدعلی محجوب در تشییع جنازه او شرکت کردند. همچنین مهندس فکری مکرم عبید به نمایندگی از رئیس جمهور مصر و بیشتر سفرای کشورهای عربی و اسلامی در این مراسم حضور داشتند.

شایان ذکر است شیخ عبدالباسط صاحب حنجره طلایی، در روستای ساده‌ای به نام «المراعزه» از شهرستان ارمنت در جنوب استان الاقصر در خانواده‌ای به دنیا آمد که او را به محبت قرآن، حفظ قرآن و تهذیب آن با احکام سوق دادند.

وی متولد ۱۹۲۷ بود و در سن ۶ سالگی نزد شیخ محمد الامیر حافظ قرآن کریم شد؛ سپس قرائت قرآن و احکام آن را نزد یکی از شیوخ قریه اصفون المطاعنه در مرکز اسنا فراگرفت. شیخ عبدالباسط در اوایل دهه ۱۹۵۰ وارد رادیو مصر و به یکی از مشهورترین قاریان جهان اسلام بدل شد. شیخ عبدالباسط در سال ۱۹۸۸ بر اثر بیماری قند و ناراحتی کبد درگذشت.

عکس‌نوشت

اگر چه می‌پرد اما همیشه پابند است...

عکس: مسعود نوذری

فاطمه یوسفی| توی مردمک چشمان من هر روز رد پای زائرانی است که قدم از شوق امید برمی‌دارند و نفس در هوای رجای تو می‌کشند.

زائرانی که کبوترانه‌تر از من بال‌هایشان را به امید لبریز شدن کاسه‌های حوائجشان در حریمت پرواز می‌دهند.

من چشمانم پر است از عکس چشم‌هایی بارانی‌تر از ابرهای بهاری که دانه دانه مروارید روی صورتشان می‌بارد وقتی که پس از سال‌ها تصویر گنبد نقش می‌بندد توی مردمک چشم‌هایشان.

کبوتر این آشیان منم اما آن‌ها که به تو پناه آورده‌اند به قدر صد کبوتر، دل‌هایشان جلد بام تو است.

پرسش و پاسخ

نگاهی به نتیجه تفاوت نعمت‌های دنیوی و اخروی

چرا حضور ابدی در بهشت تکراری و کسالت‌آور نیست؟

بنی آدم جز با خدای خودش با هیچ جا پیوند واقعی ندارد، از این رو بهشتیان تا ابد در بهشت به سر می‌برند و از آن دلزده نمی‌شوند.

به گزارش خبرگزاری فارس، آدمی به تنوع‌طلبی و کمال‌گرایی‌اش شناخته می‌شود. یکی از سؤالات جدی که در حوزه آخرت و زندگی پس از مرگ مطرح می‌شود این است که آیا حضور طولانی مدت و ابدی در بهشت برای انسان، وضعیتی شبیه به روزمرگی تکراری دنیوی و حس کسالت‌آوری به وجود نمی‌آورد؟

آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از کتاب «زندگی در بهشت» به قلم حمیدرضا شاکرین در باب کسالت‌آور بودن یا نبودن حضور طولانی مدت در بهشت است.

استاد مطهری در این باره می‌نویسد یکی از اشتباهات بزرگ این است که بعضی خیال می‌کنند انسان طبعاً طالب تنوع است و اصلاً تنوع و اینکه لذت‌ها و محبوب‌هایش را از نوعی به نوع دیگر عوض کند، دوست دارد و خود تنوع مطلوب است؛ در صورتی که این طور نیست. تنوع‌طلبی به این علت است که مطلوبی قدرت ندارد مطلوبیت خودش را برای همیشه حفظ کند، زیرا آن مطلوب، مطلوب مجازی بشر است و مطلوب واقعی و حقیقی نیست.

اگر شیئی مطلوب واقعی و حقیقی باشد، انسان از او سرد نمی‌شود و اگر از او سرد نشد طالب تنوع نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «در آنجا (بهشت) انسان‌ها طالب دگرگونی (و وضع جدید) نیستند». رازش همین است که آنجا مطلوب واقعی است. پس اگر واقعاً چیزی مطلوب غریزی و ذاتی بشر باشد، ممکن نیست وصالش او را سرد و افسرده کند.

از طرف دیگر در نهاد و غریزه بشر معشوق و محبوبی کامل‌تر و عالی‌تر از امور این‌جهانی است؛ محبوبی که کمال لایتناهی است. انسان به دنبال هر محبوبی که می‌رود، در حقیقت نشانی از محبوب اصلی و واقعی خود در او می‌بیند و به گمان محبوب اصلی به سراغ او می‌رود، اما پس از وصال چون خاصیت آن محبوب اصلی را در او نمی‌بیند و احساس می‌کند این موجود قادر نیست خلأ وجودی او را پر کند، به سراغ محبوبی دیگر می‌رود و همین طور... مگر آنکه روزی به محبوب اصلی و حقیقی خود نائل شود؛ آن وقت به کمال واقعی خود که اتصال به کمال لایتناهی است، خواهد رسید و در بهجت و سعادت کامل غرق می‌شود و برای همیشه آرام می‌گیرد و دیگر خستگی و افسردگی و کسالت در او راه نمی‌یابد «أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

بنابراین تفاوت میان نعمت‌های آخرت و این دنیا همین است که در این دنیا انسان طالب تحول و تغیر است، اما در آخرت طالب تغیر و تحول و نو شدن و عوض شدن نیست. زیرا بهشت برای بهشتی به عنوان انعامی از نعمت‌های الهی است، یعنی حتی بهشت جسمانی و لذات جسمانی هم برای او عنوان کرامت الهی را دارد، بدین معنی که یک موجود تا در حدّی از عرفان و معرفت نباشد بهشت برای او نمی‌تواند معنی پیدا کند. برای یک نفر بهشتی، اساس لذت‌ها این است که الان میهمان خالق خود است، بر سر سفره خالق خود نشسته، یعنی با آن حقیقت پیوند خورده است که وقتی به آن حقیقت پیوند خورد دیگر مسئله خستگی و تنوع و تحول و از سر کوی او رفتن به جای دیگر معنی ندارد.

برش

افق‌های تازه

دکتر عباس جوارشکیان، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد گفت: این تجربیات تأملات جدید فلسفی را رقم خواهد زد و یا منجر به بازخوانی آرا و اندیشه‌ها خواهد شد و یا اینکه افق تازه‌ای را در بحث‌ها و مسائل جدیدی در بحث‌های فلسفی پدید خواهد آورد.